



الفبای ساختن تیم کاری پیروزمندانه

شروع کار با بازیکنان عالی، کمک به سزایی در جهت تشکیل یک واحد منسجم می‌کند. این امر در مورد یک تجارت، یک باشگاه، یک جامعه، دولت یا حتی یک خانواده صدق می‌کند. بازیکنان عالی از طریق استعداد، شدت علاقه و اشتیاق خود برای بازی طبق آن مجموعه قوانین، تعیین می‌شوند.

کسانی را که در پیرامون خود دارید ثروت و موفقیت شما را تعیین خواهند کرد

منظور از یک تیم عالی فقط گروهی از افراد با یک هدف مشترک نیست، بلکه منظور گروهی است که متعهد به همکاری با یکدیگر به سوی هدفی مشترک هستند که در آن توانایی‌های خاص هر یک از اعضا مورد آزمایش قرار گرفته و به بیشترین حد خواهد رسید. آن‌ها مشتاق تسلیم خود به نفع تیم بوده و از قوانین پیروی می‌کنند.

تیم‌های واقعی یکسری اولویت‌های بسیار شفافی دارند:

اول ماموریت تیم

دوم نیازهای تیم

سوم نیازهای هر فرد

در بسیاری از سازمان‌ها اولویت‌ها کاملاً برعکس موارد فوق بوده است. بسیاری از افراد اول از خود می‌پرسند «چه سودی برای من دارد؟» اگر مطمئن شدند که آن سود را به دست می‌آورند، ممکن است به فرد دیگری در تیم خود یاری برسانند، البته تا جایی که از وقت، پول یا تلاش آنان تعدی نکند و سپس از ماموریت تیم حمایت خواهند کرد. ماموریت تیم آخرین اولویت قرار می‌گیرد. علائق شخصی ارجحیت می‌یابد و رهبر، صاحب کسب‌وکار در نبرد مشکلات تنها بوده و به امید رسیدن حمایت‌هایی در طول راه، باید به کار خود ادامه دهند. در واقعیت اکثر افراد اعتقاد ندارند که اگر اول به ماموریت گروه توجه داشته باشند، آن دو اولویت دیگر خود به خود مورد توجه قرار می‌گیرد.

خطوط اصلی

افرادی که پیرامونتان را احاطه کرده‌اند چه کسانی هستند؟ آیا آن‌ها شما را بالا می‌کشند و همان معیارهای شما را حفظ می‌کنند یا آنکه شما را به پایین می‌آورند؟ هر چه سریع‌تر به کسانی که در تیم خود دارید نظری بیفکنید بهتر است.

در اینجا سوالاتی را آورده‌ایم که وقتی می‌خواهید تیمی را در کنار هم جمع کنید پرسیدن آن‌ها از خود ضروری است:

۱. آن‌ها چه نوع انرژی‌ای دارند؟

شعار کتاب فروشندگان سگی این است: «انرژی بالاتر پیروزتر است!» می‌دانید از چه نوع انرژی حرف می‌زنم. اشخاصی که با شیوه خاص خود یا با هیجان و اشتیاق یا آرامش و تمرکز یا با قدرت و اعتماد فضایی را نورانی می‌کنند. انرژی بر هر کاری که

انجام می‌دهید نفوذ می‌کند. انرژی منبع ابتکار و ارتباط با دیگران بوده و محیط را با نوعی احساس سرزندگی که قابلیت سرعت و احتمال را افزایش می‌دهد، در هم می‌تند. در اطراف خود چه کسانی را دارید؟ در این باره فکر کنید.

۲. آیا آن‌ها نوعی میل درونی به برد دارند؟

باید نوعی اشتیاق ابدی به پیروزی داشته باشید. از خود بپرسید: آیا می‌خواهم برنده باشم؟ آخر چرا در تیم خود افرادی را دارید که فقط به خاطر پول جمع کردن در گروه هستند و فقط وقت تلف می‌کنند، نه اینکه واقعا توجهی به بردن یا نبردن تیم داشته باشند؟ به طور حتم هر کسی دوست دارد برنده باشد؛ اما آیا آن‌ها می‌خواهند برای این هدف وقت و انرژی صرف کنند؟ من طرفدار نفس کار سخت نیستم اما واقعا طرفدار این فکر هستم که افراد باید هر آنچه را که لازمه پیروز شدن است انجام دهند.

۳. آیا آن‌ها تمایل دارند به فرد دیگری هم اجازه بدهند برنده شود؟

بودن در یک تیم به معنای آن است که میل باطنی خود را نسبت دستاوردهای شخصی فوری به کناری نهاده و مصمم به حمایت از دیگران باشید؛ یعنی همیشه مجبور نیستید برنده ستاره باشید. باید در شرایطی که نشستن شما روی نیمکت ذخیره‌ها به نفع تیم است، نسبت به این کار حس خوبی داشته باشید. این فرهنگ باید در تیم باشد که «هرگز در وقت نیاز هم‌تیمی خود را تنها نگذار». افرادی که قبل از آنکه در پی فهمیدن ماموریت باشند می‌خواهند بدانند حقوقشان چقدر است، به شدت مورد شک هستند.

۴. آیا شخصا پاسخگو هستند؟

یکی از ویژگی‌های ضروری برای هر کسی که می‌خواهد به تیمی بپیوندد میل قبول مسئولیت است. تقصیرها را به گردن دیگران نیندازد، بلکه خود مسئولیت اشتباهش را بپذیرد. شما در تیم خود افرادی را که مسئولیت‌پذیر نیستند لازم ندارید یا افرادی که انگشت اتهام خود را رو به دیگران می‌گیرند. این نژادها قابل اعتماد نبوده و تیم شما را نابود خواهند کرد. شما کسی را می‌خواهید که (در جواب سوالتان) بگوید: «از

آن اتفاق چیزی آموختم» یا «دفعه بعد این کار را خواهم کرد».

۵. آیا آن‌ها تمایل به پیروی از مجموعه قوانین را دارند؟

هر کسی که در انتظار پیوستن به گروه شما است باید اصول و قوانین رفتار شرافتمندانه موجود در تیم را بفهمد. وقتی قوانین تفهیم شد، آن فرد می‌تواند یکی از این سه کار را انجام دهد:

با آن قوانین موافق باشد. (عالی!)

توافقی با آن قوانین نداشته باشد. (در چنین موردی این شخص برای تیم شما مناسب نیست.)

برای شفاف‌تر شدن موضوع سوالاتی بپرسد.

۶. آیا آن‌ها استعداد یا توانایی خاصی دارند؟

به طور آرمانی بهتر است هر شخص به خاطر توانایی‌ها و استعدادهای خاصی که با خود به آن موقعیت آورده است، در تیم باشد. نیازی نیست که یک حسابدار، نویسنده آگهی‌های تجاری باشد. یا یک فروشنده، تکنسین باشد زمانی که تیم خود را در کنار هم جمع می‌کنید از این مسئله اطمینان داشته باشید که بهترین افراد را به انجام بیشترین حد توانشان واداشته‌اید. مطمئن باشید که هر فردی که به تیم می‌آید استعداد خاصی دارد که با خود به آن موقعیت می‌آورد. افراد را برای پر کردن فضا استخدام نکنید.